

MA
ST
ER
I



مهارت‌های استادگري

ترجمه: لیلی سالاری
ویراسته: مهران ازه‌چی

گرین، رابرت؛ Green, Robert E.
 مهارت‌های استادی / رابرت گرین؛ مترجم: لیلی سالاری.
 ششمین دوره: سالاری، لیلی، ۱۳۵۶-، مترجم
 تهران: هورمزد، ۱۳۹۷ / شابک: ۸-۷۹-۶۹۵۸-۶۰۰-۹۷۸
 عنوان اصلی: Mastering the Art of Coaching
 موضوع: مردم موفق / Successful people / موفقیت؛ Success /
 خودسازی؛ Self-actualization / رشد
 رده بندی دی‌کلیش: ۱۵۸-۱
 رده بندی کنگره: ۷-۴۱۰-۶۸ / BF۶۳۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۰-۳۳۲

مهارت‌های استادی / نویسنده: رابرت گرین؛ مترجم: لیلی سالاری
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷ / تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه / شابک: ۸-۷۹-۶۹۵۸-۶۰۰-۹۷۸
 دبیر مجموعه: مریم آقاعبدالرزاق قمصری
 ویراستار: مهران آزه‌چی
 طراح جلد: آتلیه طراحی نشر هورمزد / طراح داخلی: خدیجه صبور
 نشانی: میدان انقلاب، خ جمالزاده جنوبی، ترسیده به جمهوری، پلاک ۷۸،
 واحد ۱۷ و ۱۹ تلفن: ۶۶۱۲۵۱۲۶

فهرست

مقدمه..... ۲۳

نهایت قدرت..... ۲۳

برترین هوش - تعریف مهارت - سه نمونه از مهارت - هوش ذاتی - پیوستن به
اسمالت وجهه - نیروی پنهان درون همه ما.

تکامل مهارت..... ۳۲

اجداد باستانی - تعامل مغز بشر - توانایی تفکیک و تمرکز - هوش اجتماعی
انسان های اولیه - سلول های آینه ای - تفکر درونی - تسلط بر زمان - کار روی
هسته مغز بشر - بازگشت به ریشه های اولیه مان.

کلیدهای کسب مهارت..... ۴۱

چارلز داروین در تعقیب غریزه - خصوصیات همه استادان بزرگ -
طبیعت بکروبی نظیر ما - موانع سیاسی در ضمیمه مهارت - تعریف نبوغ -
مفهوم مهارت بدنام شده - نقش اشتیاق در کسب مهارت - خطر انفعال -
شکل پذیری مغز - مروری بر استراتژی ها و مدل های تشریحی در کتاب.

فصل اول (ندای درونی تان را کشف کنید: وظیفه زندگی..... ۵۵

نیروی درونتان نهفته است که شما را به سوی وظیفه مهم زندگی تان سوق
می دهد - قرار است در زندگی تان چه کاری انجام دهید؟ - نخستین حرکت
به سوی کسب مهارت همواره از درون آغاز می شود - بدانید واقعاً چه کسی
هستید و با نیروی درونتان ارتباط برقرار کنید. با شناخت واضح این موضوع
راحتان را به سمت حرفه مناسب و هراتفاقی که در آن جایگاه می افتد، پیدا
خواهید کرد. هیچ گاه برای شروع این فرایند دیر نیست.

نیروی پنهان ۵۷

لئوناردو داوینچی^۱

کلیدهای کسب مهارت ۶۵

مثال‌هایی دربارهٔ مهارت‌هایی که با حس درونی هدایت شدند - دلیل بی‌همتایی شما - ارتباط مجدد با فکر و احساسات - تعریف حرفه - انتخاب شغل - کشف جایگاهتان - تلاش برای کسب فضیلت - بدانید واقعاً چه کسی ستیاد...

استراتژی‌هایی برای کشف وظیفهٔ زندگی‌تان ۷۳

۱. پاریش مایک برگ - استراتژی طبیعت اولیه ۷۴

آلبرت اینشتین^۲ - مادی کوری^۳ - اینگمار برگمن^۴ - دنیل اورت^۵ - جان کولترین^۶

۲. از بهترین مرگ‌میت‌ها استفاده کن - استراتژی داروین ۷۷

الف) وی. اس. رمچندرن^۷

ب) یوکی ماتسوکا^۸

۳. از مسیر نادرست دور بمان - استراتژی دانیان ۸۵

ولفگانگ آمادئوس موتزارت^۹

۴. گذشته را فراموش کن - استراتژی تطبیق ۸۹

فردی روچ^{۱۰}

۵. راه پیش‌رو را دریاب - استراتژی مرگ و زندگی ۹۴

باکمینستر فولر^{۱۱}

1. Leonardo Da Vinci

2. Albert Einstein

3. Marie Curie

4. Ingmar Bergman

5. Daniel Everett

6. John Coltrane

7. V.S. Ramachandran

8. Yoky Matsuoka

9. Wolfgang Amadeus Mozart

10. Freddie Roach

11. Buckminster Fuller

بازگشت ۹۹
تمپل گرندین^۱

فصل دوم، تسلیم شدن در برابر واقعیت: دانش اندوزی ایده آل ۱۰۵
اولین تحول ۱۰۷

شرح داستان چارلز داروین - محیط اطرافتان را بشناسید

کایدهای کسب مهارت ۱۱۷
گام دوران دانش اندوزی ۱۲۱

گام اول: مشاهده دقیق - حالت تأثیرپذیری ۱۲۱

گام دوم: کسب مهارت ها - حالت تمرین ۱۲۶

کسب دانش بدون مؤثر - روش تجربه اندوزی در میان سالی - چرخه های از بازگشت های تسریع شده - انباشت در برابر خستگی و دل زدگی - قشر قدامی مغز و آموختن وظایف - دانش طولانی مدت و کهنه نشدنی - عدد جادویی ۱۰ هزار ساعت

گام سوم: تجربه - حالت مولد ۱۳۴

تجربه و اثبات قدم به قدم - غلبه بر ترس ها - مهارت های اکتسابی در دنیای مدرن - وابستگی به تجربه اندوزی - ارتباط بین دست و چشم - شما سازنده اید.

استراتژی هایی برای تکمیل دوره دانش اندوزی ۱۳۹

۱. ارزش آموختن بیش از مادیات است ۱۳۹

بنجامین فرانکلین^۲ - آلبرت اینشتین - فردی روچ

۲. افق های فکری تان را گسترش دهید ۱۴۳

زورا نیل هورستون^۳

۳. به احساس خودکم بینی بازگردید ۱۵۰

دنیل اورت

1. Temple Grandin

2. Benjamin Franklin

3. Zora Neale Hurston

۴. به پیشرفت تدریجی اعتماد کنید ۱۵۶
سزار رودریگز^۱
۵. به سوی مقاومت و سختی بروید ۱۶۲
الف) بیل بردلی^۲
ب) جان کیتز^۳
۶. از شکست‌ها بیاموزید ۱۶۸
هنری فورد^۴
۷. «چرا» و «چگونه» را در کنار هم به کار ببرید ۱۷۴
سانتیگو کالایا^۵
۸. با آزمون و خطا پیشرفت کنید ۱۷۹
پاول گراهام^۶
۹. بازگشت ۱۸۳
ولفگانگ آمادئوس موتزارت^۱، برت ینشتاین^۲

فصل سوم) قدرت استاد را جذب کنید - پویایی استاد ۱۸۵

زندگی کوتاه است و زمانی که برای آموختن و خلاقیت در اختیار شما قرار داده شده، نامحدود نیست. بدون داشتن راهنما، احتمالاً سال‌های گران‌بهای عمرتان را در راه تلفیق دانش و تجربه به‌دست آمده از منابع مختلف هدر خواهید داد. به جای آن، باید دنباله‌روی نمونه‌ای باشید که با تجربه و ماهر طی سالیان دراز به آن رسیده‌اند.

1. Cesar Rodriguez

2. Bill Bradley

3. John Keats

4. Henry Ford

5. Santiago Calatrava

6. Paul Graham

آموزگاری انتخاب کنید که به بهترین وجه نیازهایتان را بازشناسد و آن‌ها را با وظیفه زندگی‌تان مرتبط کند. به محض اینکه دانشتان را درونی کنید، باید به راه بیفتید و هرگز در گوشه‌ای نایستید. هدف‌تان همیشه باید این باشد که در کسب مهارت از آموزگارتان پیشی بگیرید و بدرخشید.

۱۸۷..... **کیمیای دانش**

میل فادای

۱۹۸..... **آموزشی کسب مهارت**

اهمیت فن - جایگاه والای آموزگاران - بویایی شاگرد / آموزگار - آموختن مانند کبیاگن - کشف آموزگار و مجذوب او شدن - عملکرد تابلوها یا کتاب‌های مشهور - با عملکرد آموزگار - آموزگار همانند پدر - چه وقت فرد خبره و استاد را می‌توانیم؟

۲۱۱..... **استراتژی‌هایی برای عمق بخشیدن ، ارتباط با استاد**

۱. استاد را طبق نیازها و تمایزات انتزاعی کنید

فرانک لویڈ رایت - کارل گوستاو یونگ - وی. اس. رمکندرن - یوکی ماتسوکا

۲. به آینه استادان نگاهی عمیق بیندازید

هاکوین زنجی

۳. ایده‌های استادان را تغییر دهید

گلن گلد

۴. در مسیر پیشرفت پویا باشید

فردی روچ

۲۳۶..... **بازگشت**

توماس الو ادیسون

1. Frank Lloyd Wright

2. Carl Gustav Jung

3. Hakuin Zenji

4. Glenn Gould

فصل چهارم) مردم را همان‌گونه که هستند ببینید: هوش اجتماعی ۲۴۱
اغلب، سخت‌ترین قسمت کسب مهارت، ریشه در تجاربی دارد که هنگام
تقابل با سرسختی و زرنگی اطرافیانمان، باعث برانگیخته شدن احساسات
در ما می‌شود؛ زیرا در بروز شلوغی و کشمکش، واکنش‌ها و نیت‌هایشان را
نادرست تعبیر می‌کنیم.

هوش اجتماعی توانایی دیدن مردم در واقع‌گرایانه‌ترین احتمال است. از این
رو، با کمال حساب‌شده و تدریجی خود در محیط‌های اجتماعی، وقت و
انرژی بیشتری برای تمرکز کردن برای آموختن و کسب مهارت خواهیم داشت.

تفکر درونی ۲۴۳
بنجامین فرانکلین

کلیدهای کسب مهارت ۲۵۵
انسان اولین حیوان اجتماعی - ممتاز - چشم‌انداز خام ما را عقب نگه می‌دارد -
شرح داستان بنجامین فرانکلین - طبق و تعدیل روش‌ها و رفتارهایمان.

دانش ویژه طبیعت بشر - شناخت ۲۶۲
ارتباط غیرکلامی - توجه به سبک راه‌نما - جستجوی متعارف تجارب
احساسی - خوانش دیگران همراه با بصیرت - در جستجوی الگوها - خطر
اولین تأثیر.

دانش جامع طبیعت بشر - هفت حقیقت مرگ‌بار ۲۶۸
حسادت - دنباله‌روی - خشونت - خودآزاری - تنبلی - بوالهوس - خشونت
انفعالی

استراتژی‌هایی برای کسب هوش اجتماعی ۲۷۹
۱. فقط درباره کارتان اظهار نظر کنید ۲۷۹
الف) ایگناتس زملوایس
ب) ویلیام هاروی

۲. شخصیتی مناسب از خودتان بسازید ۲۸۹
ترسیتا فرناندز^۱
۳. خودتان را از منظر دیگران ببینید ۲۹۶
تمپل گرندین
۴. افراد احمق را با طیب خاطر تحمل کنید ۳۰۲
یوهان ولفگانگ فون گوته - جوزف فون اشترنبرگ^۲ - دنیل اورت
- با گسترش ۳۱۱
پاول گراهام
- فصل پنجم، بخش رکود ذهن چند بعدی: حالت خلاق - فعال ۳۱۵
هم‌زمان با کسب چند مهارت و درونی کردن قوانین حاکم بر قلمروتان، مغزتان به فعالیت بیشتر تمایل پیدا می‌کند و می‌کوشد این دانش را به شیوه‌های سازگار با تمایلاتتان به کار برد.
- به جای حس رضایت درباره آنچه می‌بینید، باید دانسته‌های مربوط به قلمروی خود را گسترش دهید. به ذهنتان انگیزه بدهید تا بین ایده‌های مختلف پیوستگی و ارتباط برقرار کند. بدین ترتیب، در نهایت، به انبوهی از قوانینی که قبلاً درونی کرده بودید پشت خواهید کرد و آن‌ها را متناسب با روح و روانتان تغییر می‌دهید.
- هر فعالیت بی‌شمار انگیزه می‌دهد تا به درجات عالی قدرت رسیدن.
- دومین تحول ۳۱۷
ولفگانگ آمادئوس موتزارت
- کلیدهای کسب مهارت ۳۲۹
تفکر اولیه - تفکر مرسوم - تفکر چند بعدی - شرح داستان موتزارت.

1. Teresita Fernandez

2. Josef Von Sternberg

سه گام ضروری تا کسب مهارت ۳۳۶

گام اول: کار خلاقانه ۳۳۶

تغییر و اصلاح نظریه‌های خلاقانه - به دنبال نهنگ سفید عظیم الجثه باشید- توماس ادیسون و رامبرانت^۱، مارسل پروست^۲ و نهایت چالش‌های خلاق- قانون اولیه بویایی خلاقانه - یافتن راه‌حلی برای برانگیختن مخالفت‌ها - فراموش کردن واقع‌بینی - رهایی از مصونیت‌ها.

گام دوم: استراتژی‌های خلاق ۳۴۱

الف- اصلاح استعدادهای منفی ۳۴۲
کیتس^۳ در مسیر فایند خلاق - تعریف استعدادهای خنثی - موتزارت و باخ - اینشتین و استعدادهای منفی - شکسپیر^۴، نمونه‌ای ایده‌آل - فارادی^۵ مخالف با تواضع - استیو جابز^۶، ابزاری برای فکر آزاد.

ب) ستایش الهام غیبی ۳۴۶

مغز به شکل دستکاه^۷، بخشی و پیشرو عمل می‌کند - تعریف الهام غیبی - ویلیام جیمز^۸ و نیروی محرکه مغز - برقرار نگه داشتن بی‌پردگی روح - لویی پاستور^۹ و الهام غیبی - توماس یسون^{۱۰}، الهام غیبی و ضبط صدا - ذهن سیال - استراتژی‌های الهام غیبی از آنرانی برکز^{۱۱}، ماکس ارنست^{۱۲} - پرورش و توسعه الهام غیبی و تفکر قیاسی و گالیله^{۱۳}.

1. Rembrandt

2. Marcel Proest

3. Keats

4. Shakespeare

5. Faraday

6. William James

7. Louis Pasteur

8. Anthony Burgess

9. Max Ernst

10. Galilei

- پ) تغییر ذهن همسوبا «روزگار معاصر»..... ۳۵۲
- چارلز داروین و روزگار معاصر - تعریف روزگار معاصر - احداث باستانی ما و روزگار معاصر - احاطه کوتاه مدت روزگار معاصر - باک مینستر و ادوات قدیمی - اهمیت آفرینش تصاویر ذهنی - حلقه پشتیبان.
- ت) تغییر دادن چشم انداز..... ۳۵۸
- الگوهای شاخص تفکر برای تغییر:
- توجه کردن به «چه چیزی» به جای «چگونه»..... ۳۶۰
- پریزازی دقتی - تمرکز روی ساختار - قدرت درک کلی - اهمیت ارتباطات در شغل و حرفه
- روی آوردن به تجربیات نادیده گرفتن جزئیات..... ۳۶۱
- تغییر از بزرگ به کوچک - چارلز داروین و مطالعات میکروسکوپی - توجه لئوناردو داوینچی به جزئیات در نقاشی - اجازه ندهید جزئیات راهنمای شما باشند.
- تقویت الگوها و نادیده گرفتن موارد نامتعارف..... ۳۶۲
- اتکای بیش از اندازه بر الگوها - ارزشمندی نامتعارفها - ماری کوری^۱ و خاصیت تشعشع غیرعادی - مؤسسان گودل^۲ و نامتعارفها - پیشرفت و تحکیم نامتعارفها.
- تمرکز روی هر چیز آشکار و نادیده گرفتن هر چیز پنهان..... ۳۶۴
- شرلوک هولمز^۳ و اشارات منفی - اشارات گولند هاپکینز^۴ و اسکوروی^۵ - رود برو شدن با نیازهای برآورده نشده - هنری فورد^۵ - اشارات منفی و توالی و ترتیب در تولید - معکوس شدن چشم انداز احساس شما - موانع به منزله فرصت ها.

1. Marie Curie

2. Sherlock Holmes

3. Gwlad Hopkins

4. Scurvy

5. Henry Ford

- ۳۶۸..... (ث) بازیابی اشکال اولیه بصیرت و آگاهی
هوش نیاکان اولیه ما - مغز بشر، ابزاری چندمنظوره - تفکر و رای زبان -
نمونه‌ای مشهور از افراد با تفکرات غیرواقعی - استفاده از نمودارها و مدل‌ها -
شیلر^۱، اینشتین، ساموئل جانسون^۲ و تجسم خلاق حس آمیزی^۳.
- ۳۷۴..... گام سوم: تغییر مسیر خلاقانه
معیارهای فطری و عالی آموزگاران - رهاسازی - اینشتین، رهاسازی و کشف
رضیه نسبیت - ریچارد واگنر، آرایش را در خواب کامل کرد - چگونه مغز به
مسئله‌های خلاقیت دست پیدا می‌کند؟ - قالب‌های سنتی فکری که برتراز
در ذهن فکری است - انفجار ناگهانی نبوغ در اواریسست گالوا^۴ - لزوم انبساط -
مرگ، نعت‌گویی - فشار تولید روی توماس ادیسون.
- ۳۷۹..... تله‌های احساسی
رضایت‌مندی - محافظه‌کاری - وابستگی - ناشکیبایی - بزرگ‌نمایی - انعطاف‌ناپذیری
- ۳۸۷..... استراتژی‌هایی برای حالت «خلاق» - فعال
- ۳۸۸..... ۱. ندای اطمینان‌بخش
جان کولترین^۵
- ۳۹۶..... ۲. حقیقت: ثمره‌ای بزرگ
وی. اس. رمکندر
- ۴۰۵..... ۳. هوش مکانیکی
برادران رایت^۶
- ۴۱۵..... ۴. نیروهای طبیعی
سانتیاگو کالاتراوا^۷

1. Schiller

2. Samuel Johnson

3. Synesthesia

4. Evariste Galois

5. John Coltrane

6. The Wright Brothers

7. Santiago Calatrava

۵. پایان عالی ۴۲۴.
یوکی ماتسوکا
۶. تکامل ۴۳۰.
پاول گراهام
۷. تفکر چند بعدی ۴۳۹.
ژان رانسوا شامپولین^۱
۸. خلافت کیمیایی ناخودآگاه ۴۵۰.
ترسیتا فرناندز^۲
- بازگشت ۴۵۶.
جان کولترین، گویت، ستریندبرگ^۳
- فصل ششم) ترکیب شهر را بر سر تدال: مهارت ۴۵۹.
همه ما به نوعی به اشکال عالمی، نوعی استرسی پیدا کرده ایم. هریک از این اشکال برای بهتر دیدن دنیا به ماکس می کنند. با این روش، تمایلاتمان را بهتر می بینیم و به هراتفاق، سریع تر و دقیق تر پاسخ می دهیم. این هوش هنگامی تقویت خواهد شد که جان را در مطالعه اتی خاصی شود و با طبیعتمان در یک راستا قرار گیرد.
- مهم نیست مسیر ما از نظر دیگران چقدر غیرطبیعی است، نظر باید. این قدرت همان چیزی است که مغزمان برای رسیدن به موفقیت طراحی کرده و ما به طور طبیعی به سوی این نوع هوش هدایت خواهیم شد؛ مشروط بر آنکه طبیعت خود را تا تحقق اهداف نهایی مان دنبال کنیم.
- سومین تحول ۴۶۱.
مارسل پروست

1. Jean Francois Champollin

2. Teresita Fernandez

3. John Coltrane & August Strindberg

کلیدهای کسب مهارت ۴۷۴

مثال آموزگاران^۱ بهتر نتیجه می‌دهد - احساس سرانگشتان - نیروی گنج‌کننده - درجات بالای هوش - پویایی - مناسب بودن حس غیراستدلالی برای همه احساس جین گودال^۱ در برابر شامپانزه‌ها. احساس اروین رومل^۲ - ترکیب حس‌های استدلالی و غیراستدلالی. آموزش در بیست هزار ساعت - زمان، عاملی قطعی - زمان مطالعه‌تان را از نظر کیفی ارتقا دهید - شرح داستان پروست.

ریشه‌های روشن‌بینی استادانه ۴۸۶

حس موفقیت^۳ - هوش اجداد اولیه ما - شبکه‌های تقویت‌کننده حافظه در مغز - بابی فیشل^۴ - نشانه‌های حافظه - گیرافتادن در پیچیدگی درون - بی‌نظمی برای افزایش بهره‌مندی^۵ سبب است - افزایش ظرفیت حافظه - مثال‌هایی درباره درجات بالای دراست و نیروهای جوانی.

بازگشت به واقعیت ۴۹۶

مرور دوباره سیر تکاملی از ابتدا - بازیگری زندگی - حقیقت‌نهایی - رنسانس ما - بازگشت به کل - مغز اصلاح شده به واسطه وجود کنترل شده.

استراتژی‌هایی برای کسب مهارت ۵۰۱

۱. با محیط اطرافتان ارتباط برقرار کنید - نیروهای اول ۵۰۲
جزایر کارولین^۶

۲. توانایی‌هایتان را به کار بگیرید - نهایت تمرکز ۵۰۹

الف) آلبرت اینشتین

ب) تمپل گرندین

1. Jane Goodall

2. Erwin Rommel

3. Ammophila

4. Bobby Fischer

5. Caroline Islanders

۳. با کمک تمرین، خود را تغییر دهید - احساس سرانگشتان ۵۲۹
سزار رودریگز^۱
۴. جزئیات را درونی کنید - نیروی زندگی ۵۳۷
لئوناردو داوینچی
۵. افق دید خود را گسترش دهید - چشم انداز جهانی ۵۴۶
فردی وچ
۶. نتوانع باشید - چشم انداز درونی - بیرونی ۵۵۳
دنیل اوریت^۲
۷. تمام اشکال دانش را ترکیب کنید - انسان جهانی ۵۶۵
یوهان ولفگانگ فون گوته
- بازگشت ۵۷۶
خود فریبده - خود واقعی - روش پیچیده سازی و ابهام - حرف شما در زندگی -
کشف استعداد های پنهان
- زندگی نامه بزرگان معاصر ۵۷۹
- سپاسگزاری ها ۵۸۹

1. Cesar Rodriguez

2. Daniel Everett

تقدیر هر انسانی در دستان خود اوست؛ همانند مجسمه‌سازی که مواد خام را به شکل کالبد درمی‌آورد. رقم‌زدن تقدیر شبیه نوعی کار هنری در همه زمینه‌هاست؛ هر یک از ما به شکلی منحصر به فرد با توانایی‌هایی برای انجام دادن این کار آفریده شده‌ایم و مهارت‌هایی داریم که به کمک آن‌ها ما می‌توانیم مواد خام را به شکل دلخواه درآوریم. فقط می‌توانیم این مهارت‌ها را بیاموزیم و آن‌ها را به شکل مناسب پرورش دهیم.

یوهان ولفگانگ فون گوته

نوعی از قدرت و هوش وجود دارد که حد اعلا توانایی بشر را به نمایش می‌گذارد. این هوش، که منشأ بزرگ‌ترین موفقیت‌ها و اختراعات در تاریخ بوده، هوشی نیست که در مدرسه آن را به ما آموزش داده باشند یا دانش‌آسان آن را بررسی و تحلیل کرده باشند؛ اما تقریباً همه ما در شرایط یکسان آن را به طور انحصاری تجربه کرده‌ایم. این حس اغلب هنگامی به سراغمان می‌آید که تحت فشار قرار می‌گیریم؛ مثلاً، هنگام روبروشدن با مرگ، نیاز فوری داشتن به حل یک مسئله، در نقطه بحرانی یک انتخاب یا در نتیجه کار ثابت روی طرحی خاص. در هر حالت، به دلیل تحمل فشار در شرایط محیطی خاص، احساسی غیرعادی، متمرکز و نیرومند به ما دست می‌دهد.

ذهنمان پیش از خودمان کاملاً در این جریان فرو می‌رود. این جرقه‌های ناشی از تمرکز شدید، به هر نوع فکری مربوط می‌شوند: آن‌ها هنگام خواب از ناکجاآباد به سراغمان می‌آیند؛ انگار که از ناخودآگاهمان فوران کرده‌اند. در این هنگام، دیگران در برابر توانایی‌های ما مقاومت نمی‌کنند؛ شاید به این دلیل که توجه ما به آن‌ها بیشتر می‌شود یا به‌طور ناگهانی نیروی ویژه‌ای به‌دست می‌آوریم که احترام گذاشتن را به دیگران القا می‌کنیم.

اغلب ما زندگی به دور از شورشوری را سپری می‌کنیم و پیوسته بعد از وقوع اتفاقات در قبالشان واکنش نشان می‌دهیم؛ اما در روزها یا هفته‌هایی خاص انگار، حس می‌کنیم می‌توانیم اتفاقات را پیش‌بینی کنیم و خودمان خالق بعضی از آن‌ها باشیم.

می‌توان این نیرو را طریقه‌های زیرنمایش داد:

ما بیشتر اوقات در دنیای درونی ساخته‌شده از رؤیاها، آرزوها و افکار آزاددهنده‌مان زندگی می‌کنیم. اما در این دوره از خلاقیت استثنایی، یک‌باره به دلیل نیاز به انجام دادن کاری به‌جلورانده می‌شویم که حاصل آن تحقق رویدادی واقعی خواهد بود. در این زمان، ما خودمان را وادار می‌کنیم که به‌جای پریدن از حالتی به حالت پریسمان‌های شگفتی، از دنیای درونی ساخته‌شده از افکارمان بیرون بیاییم و با جهان، سایر مردم و واقعیت‌ها در تماس باشیم.

افکار ما به هسته و مرکز بعضی چیزهای مشخص نفوذ می‌کند و بر آن‌ها متمرکز می‌شود. در این لحظات، این‌گونه می‌نماید که توجه ذهنی ما به بیرون معطوف شده و در نور دنیای اطراف غرق می‌شود. افکارمان ناگهان ایده‌ها و جزئیات جدیدی را به نمایش می‌گذارند و در نتیجه، بیشتر الهام می‌گیریم و خلاق‌تر می‌شویم.

هرگاه از خطر مرگ رها شویم یا بحرانی را پشت سر بگذاریم، این احساس قدرت و خلاقیت ناگهان شدت گرفته به یکباره محو می‌شود. آنگاه به حالت آشفته قبلی مان باز می‌گردیم و آن حس چیرگی جادویی در وجودمان از بین می‌رود. کاش می‌شد این احساس را دگرباره ایجاد کنیم یا به طریقی آن را برای مدتی طولانی ترفعال نگه داریم... اما ظاهراً این امری بس اسرارآمیز و پیچیده است.

من کل پیش رو این است که هرگاه درباره این نیرو و هوش اسرارآمیز مطالعه می‌سود یا انواع افسانه‌ها و تصورات نادرست احاطه‌اش می‌کند، به ناگاه از مقابلمان (بگریز) همه این جادوها تنها به مهارت وابسته‌اند. بنا بر تصورات ما، خلاقیت و درخشندگی ناگهان از «ناکجاآباد» پیدا می‌شود که حاصل استعداد ماست، سالیانه در حال خوب ناشی شود یا اینکه حاصل تأثیر ستارگان بر سرنوشت ما باشد.

در اینجا، روشن‌سازی حس «مهارت»، کمک بزرگی به ما خواهد کرد؛ کارهایی از قبیل: نامیدن این حس قدرت، بررسی ریشه‌های آن، تعریف نوع هوشی که به این حس منجر می‌شود و درک چگونگی ایجاد حفظ این حس. اجازه دهید نام آن را «تأثیر مهارت» بگذاریم؛ احساسی که رزق اجبار حقیقت در دیگران و خود ماست.

شاید این حس را فقط برای زمانی بسیار کوتاه تجربه کنیم، اما این درخشش برای دیگران، مانند استادان حوزه‌های مختلف، راهنمای مسیر زندگی‌شان می‌شود؛ زیرا هدفشان درک جهان است؛ استادانی مانند لئوناردو وینچی، ناپلئون بناپارت، چارلز داروین، توماس ادیسون، آنا مارزا گراهام و بسیاری آدم‌های دیگر.

در ریشه‌های این قدرت جریان ساده‌ای دیده می‌شود که راهنمای مهارت است و همه ما فقط می‌توانیم به یکی از آن‌ها دست یابیم.

این فرایند را می‌توان این‌گونه نیز روشن کرد: فرض کنید آموختن نواختن پیانورا آغاز کرده‌ایم یا وارد حرفه‌ای شده‌ایم که لازمه آن فراگرفتن مهارت‌های خاصی است. در آغاز، ظاهراً با این کار غریبه هستیم. تأثیرات ابتدایی پیانویا محیط کار بر اساس قضاوت‌های اولیه هستند و اغلب از عنصر ترس ناشی می‌شوند. در ابتدای آموختن پیانو، صفحه‌کلیدش دستپاچه‌کننده به نظر می‌رسد. ما روابط بین کلیدها، سیم‌ها، پدال‌ها و هر چیز دیگری این ساز را درک نمی‌کنیم. در مرحله کار، باید نیز از قدرت ارتباطات بین همکاران، شناخت روحیات رئیس و فریب‌ناپذیری رسم متداول و حیاتی برای پیشرفت‌مان غافلیم. ما گنج می‌شویم؛ زیرا تسبب تعویذ چیزهای لازم برای هر دو مثال ذکر شده از دستان خارج می‌شود!

با وجود این، شاید هنگام گریختن، در این موقعیت‌ها درباره آنچه می‌توانیم بیاموزیم یا انجام دهیم هیجان‌زده برانگیخته شویم؛ اما به زودی درمی‌یابیم که کار پیش رویمان چقدر می‌تواند سخت باشد.

تسلیم شدن در برابر احساساتی مانند رنجش، ناامیدی، ترس و گنجی خطر بزرگی است. اینجاست که از مشاهده و آموختن دست می‌کشیم و فرایند متخصص شدن متوقف می‌شود.

از طرف دیگر، اگر بتوانیم این احساسات را مهار کنیم و بگذاریم زمان کار خودش را انجام دهد، آنگاه هر چیزی کاملاً در مکان و جایگاه می‌خودش قرار می‌گیرد. همان‌طور که به مشاهده ادامه می‌دهیم و به راهنمایی‌های بقیه گوش می‌سپاریم، به وضوح چیزهایی کسب می‌کنیم، قوانین را می‌آموزیم و می‌بینیم چگونه همه چیز با هم کار می‌کنند و با یکدیگر متناسب‌اند.

اگر به تمرین ادامه دهیم، وارد جریان می‌شویم. مهارت‌های اولیه مغلوب ما می‌شوند و ما با چالش‌های جدیدتر و هیجان‌انگیزتری روبرو شویم؛ زیرا قبلاً ارتباطات نامرئی اطرافمان را مشاهده کرده‌ایم. حال به‌آهستگی به توانایی‌هایمان اعتماد می‌کنیم، مشکلاتمان را از پیش رو برمی‌داریم یا بر ضعف‌هایمان غالب می‌شویم؛ همان ضعف‌هایی که به‌کلی مقاومتمان را از بین می‌برند.

در نقطه‌ای خاص، از دانش آموز بودن به سمت استاد شدن حرکت می‌کنیم؛ اید، ایمان را محک می‌زنیم و پایداری ارزشمندی را حین این فرایند به دست می‌آوریم. حال، دانش در حال افزایشمان را در مسیرهای خلاقانه به کار می‌اندازیم. برای آنکه فقط کارهای دیگران را ببینیم و بیاموزیم، سبک و روش خود را در پیش می‌گیریم و خود وارد بازی می‌شویم.

با گذشت سال‌ها، همچنان به این فرایند وفادار می‌مانیم؛ با این حال، گاهی دیگر باقی می‌ماند: کسب مهارت دیگر، صفحه‌کلید موجودی غریب نیست، بلکه بخشی نهادینه‌شده در ماست و به صورت جزئی از دستگاه عصبی ما و اثرانگشتانمان درآمده است. اکنون، در مسیر پیش رو، حسی برای پیوستن به حرکت گروهی به وجود آمده است؛ حالت متاداد. رای کسب و کار.

می‌توان این حس را برای موفقیت‌های اجتماعی این کاربرد. با نگاهی دقیق به دیگران، واکنش‌های آن‌ها را پیش‌بینی کنید؛ حتی می‌توانید تصمیماتی سریع و بسیار خلاقانه بگیرید. افکار به سرعت جذب می‌شوند. ما آموخته‌ایم که قوانین خوب و لازم هستند؛ اما اکنون می‌توانیم قوانین را بشکنیم و آن‌ها را بازنویسی کنیم. در فرایندهایی که به شکلی ما را به نهایت قدرت رهنمون می‌کنند، می‌توانیم سه سطح مستقل را شناسایی کنیم:

اولین سطح تجربه‌اندوزی است. دومین سطح خلاقیت-فعالیت و سومین سطح مهارت است. در حالت اول، ما خارج از محدوده ایستاده‌ایم و تا جایی که می‌توانیم قوانین و موارد اساسی را می‌آموزیم. ما فقط تصویری محدود از حوزه مورد نظر داریم، بنابراین قدرت ما محدود است.

در حالت دوم، هم‌زمان با ادامه تمرینات و عمق گرفتن‌ها، درون هر تشکیلاتی را می‌بینیم و به ارتباط بین عناصر پی می‌بریم؛ بنابراین، درک جامع‌تری از موضوع به دست می‌آوریم. این درک با قدرت جدید، توانایی استفاده از تجربیات و بازی خلاقانه با عناصر موجود به دست می‌آید.

در سومین حالت، میزان دانش، تجربه و تمرکزمان بسیار عمیق می‌شود؛ به طوری که می‌توانیم تصویری کلی با وضوح بالا داشته باشیم.

این‌گونه به قلب زندگی، یعنی به طبیعت بشرو پدیده‌های طبیعی راه پیدا می‌کنیم. به کمک مهارت، به سمت عمق و هسته هر چیزی پیش می‌رویم.

هنرمند کسی است که چیزهایی از اصل و حقیقت به دست آورده باشد.

به این ترتیب، بشرندان برجسته می‌توانند قوانین جدید فیزیک را کشف کنند و مخترعان با پیشگامان می‌توانند به چیزهایی برسند که هیچ‌کس دیگر حتی تصور آن را هم نمی‌توانست بکند.

می‌توان این قدرت را دریافت، گاهی با الهام غیبی نامید؛ اما این دریافت چیزی نیست جز بارقه‌ای آنی و سریع از واقعیت، بدون نیاز به هیچ کلمه یا فرمولی. کلمات و فرمول‌ها شاید در تری ما برسند، اما این بارقه ناگهانی چیزی است که سرانجام ما را به واقعیت نزدیک می‌کند؛ یعنی مغزمان به طور ناگهانی به واسطه بخش‌هایی از حقیقت روشن می‌شود که قبلاً برای ما و دیگران پنهان بود.

حیوانات نیز توانایی آموختن دارند، اما هنگام برقراری ارتباط دنیای اطرافشان و برای حفظ خود از خطرهای پیش رو به طرز چشمگیری بر غریزه‌شان تکیه می‌کنند. با اتکا به غریزه، عملکرد حیوانات سریع و مؤثر می‌شود، اما به جای آن، بشر برای شناخت محیط به قوه تفکر و استدلالش تکیه می‌کند.

از سویی شکل‌گیری هر اندیشه‌ای به زمان نیاز دارد که روندش به آرامی صورت می‌گیرد. در نتیجه، همین کندی می‌تواند تفکر را بی‌اثر نکند؛ بنابراین بیشتر

چیزهای آزاردهنده، مانند تفکرات منفی درونمان، ارتباط ما را با دنیای اطراف قطع می‌کنند.

نیروهای مثبت در سطح مهارت، ترکیبی از غریزه و قوه استدلال، هوشیاری و ناخودآگاهی و خوی انسانی و حیوانی است.

این همان مسیر ماست که با ایجاد ارتباط قوی و ناگهانی با دنیای اطرافمان کمک می‌کند تا درون هر چیزی را ببینیم و درباره آن فکر کنیم. وقتی کودک به دنیا می‌آید، حلدی نیروی روشن‌بینی و دریافت ناگهانی داشتیم، اما با گذشت زمان و به تدریج اطلاعاتی که در گذر زمان در ذهن ما جای گرفت، این نیرو را از بین برد.

مهارت‌ها ما را به حالت کودکی مان برمی‌گردانند؛ حالت‌هایی که کارشان نمایش دادن درجات شهود به شکل ناگهانی و دسترسی به حالات بی‌خبری در سطوح بسیار بالاتر از حالات کودکی است.

اگر این فرایند را به سوی نقطه پایانی طی کنیم، نیروی روشن‌بینی پنهان موجود در مغز را فعال کرده‌ایم؛ چیزی که گاهی ما را در انجام دادن کاری یا هنگام حل مسئله‌ای حس کرده‌ایم.

در حقیقت، اغلب در لحظه‌هایی از زندگی‌ایم که بهره می‌بریم؛ مثلاً، وقتی حدس می‌زنیم قرار است چه اتفاقی بیفتد یا وقتی به دنبال کامل‌سازی از ناکجا به ذهنمان می‌رسد؛ اما این لحظات زودگذرند و به تدریج، تجربیات کافی بنا نشده‌اند تا تکرار شوند.

وقتی به مهارتی دست پیدا می‌کنیم، شهودگرایی به صورت نیروی تحت فرمان ما ظاهر می‌شود که ثمره کار عمقی در یک فرایند است. جوایز دنیا همواره خلاقانه هستند. از این رو، به پاداش توانایی در کشف وجوه تازه‌ای از حقیقت، نیرویی حیرت‌آور و واقعی به ما بخشیده می‌شود.